خبر

صفر تا صد تاریخ عراق روی میز «به اضافه مستند»

مستند «همراه با فرات» به کارگردانی فرشاد اکتسابی در جدیدترین قسمت از فصل سوم برنامه «به اضافه مستند» روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.

به گزارش روابط‌عمومی شبکه مستند، سی و هفتمین قسمت از فصل سوم برنامه تلویزیونی به اضافه مستند، با پخش و بررسی مستند همراه با فرات به کارگردانی فرشاد اکتسابی از شبکه مستند پخش خواهد شد. در این قسمت و پس از پخش مستند، صفاالدین تبرائیان، مورخ و مشاور عالی مرکز اسناد انقلاب اسلامی و فرشاد اکتسابی، کارگردان مستند همراه با فرات مهمان برنامه خواهند بود و به بررسی تاریخ معاصر عراق، اتفاقات تاریخی این کشور همسایه ایران و ابعاد کمتر شنیده شده از رژیم بعث می‌پردازند. علاوه بر این، محمدتقی فهیم و سعید قطبی‌زاده به نقد و بررسی فرمی این مستند خواهند پرداخت. این مستند که به کارگردانی فرشاد اکتسابی ساخته شده است، در جشنواره حقیقت حضور داشت و توانست جایزه ویژه هیات داوران را کسب کند. این اثر همچنین در جشنواره فجر حضور داشت و برای اولین بار در شبکه مستند و برنامه به اضافه مستند رونمایی خواهد شد. این قسمت از برنامه امشب ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه از شبکه مستند پخش خواهد شد و بازپخش آن روزهای چهارشنبه ۱۳ شهریور ساعت ۹ و جمعه ۱۵ شهریور ماه ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه است. به‌اضافه مستند، مجموعه برنامه تلویزیونی شبکه مستند است که به پخش مستندهای دیده‌نشده در تلویزیون و بحث کارشناسی پیرامون موضوع مستند می‌پردازد. این برنامه با اجرای سیدمحمدعلی صدری‌نیا و کارگردانی محمدرضا رضاییان با دکوری جدید و بخش‌های متنوع سه‌شنبه‌های هرهفته ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه روی آنتن شبکه مستند می‌رود.

تکذیب توقف «فرمول یك»

شریعت‌پناهی، مدیر گروه اجتماعی شبکه یك سیما، خبر توقف پخش برنامه «فرمول یك» را تکذیب کرد. فضل‌ا... شریعت‌پناهی، مدیر گروه اجتماعی شبکه یك سیما، در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، درباره انتشار خبری مبنی بر توقف پخش برنامه فرمول یك گفت: توقف پخش این برنامه را تکذیب می‌کنم. چنین چیزی رخ نداده است. این برنامه از ۲۳ شهریور مجددا روی آنتن خواهد رفت.

پخش مستند «جانور گرسنه» با موضوع هسته‌ای از شبکه یك

برنامه ثریا جدیدترین مستند خود یعنی «جانور گرسنه» در موضوع هسته‌ای را امروز روی آنتن می‌برد. به گزارش روابط‌عمومی شبکه یك، در این مستند ناگفته‌هایی عجیب درخصوص «پیچیده‌ترین حمله سایبری جهان به سایت هسته‌ای نطنز» از منظر کارشناسان داخلی و خارجی روایت خواهد شد. در این مستند بیان می‌شود ویروس استاکس نت به‌عنوان مهیب‌ترین بدافزار قرن، چگونه و توسط چه کسانی مهار شد. مستند جانوران گرسنه کاری از گروه برنامه‌ساز ثریاست که امروز ساعت ۲۰ از شبکه یك سیما پخش خواهد شد.

گفت‌وگوی جام جم با پانته‌آ سیروس، بازیگر سریال «بانوی سردار»

«بی‌بی مریم» به من افتخار داد

ادامه از صفحه ۵

... در کارهایی که مربوط به یك قوم و ایل است، شما درگیر یك سری حساسیت‌هایی می‌شوید که اصلا به ذهنتان هم نمی‌رسید. این حساسیت‌ها ناشی از عدم شناخت و تعصبات از یك سو و عدم آگاهی از سوی دیگر است. به هر حال من در جایگاهی نیستم که بتوانم این حساسیت‌ها را قضاوت کنم و تنها با آنها مواجه می‌شدم. وقتی تمام این موارد را کنار هم می‌گذارم باید بگویم که یك سری از انتقادات به کار وارد نیست، یك سری دیگر را هم در جایگاهی نیستم که بخواهم پاسخ دهم و بعضی موارد را هم می‌پذیرم. مثل همین لهجه که اگر زمان بیشتری داشتیم، حتما روی آن کار می‌کردیم. واقعیت این است که من امروز قرارداد بستم و فردا کار کلید خورد.

> **سیروس:** می‌توانستم یك زن گریه کن را بازی کنم که مدام به او ظلم می‌شود و گوشه‌ای در خانه اشك می‌ریزد یا یك زن پریشان‌حال و روانی باشم، دیده هم می‌شد اما موضوع این است که بازی در چنین نقشی خیلی به آرزو شبیه‌تر بود تا واقعیت

آنچه من شنیده‌ام این است که نه به خاطر زمان بلکه به دلیل حساسیت‌های احتمالی نسبت به ادای لهجه، این مورد از کار حذف شده است.

قطعا ما هر کاری در جهت نشان دادن یك قوم انجام دهیم، یك سری آدم حساس هستند که به آن خرده می‌گیرند. مثلا می‌گویند «آ» را باید بیشتر می‌کشید یا... . گاهی می‌بینم محتوای اثر تحت‌تاثیر این حساسیت‌ها فراموش می‌شود. ما داریم اسطوره‌ای که متاسفانه غیر از بختیاری‌ها، بسیاری آن را نمی‌شناختند از گنجه بیرون می‌آوریم، به آن می‌پردازیم و می‌گوییم این شخص باعث افتخار است. آن وقت به عنوان مثال، ایراد می‌گیرند چرا اسبش سفید است؟ چرا فلانی را این‌گونه صدا کرد؟ اینها احوال قوم ما نیست، لباس‌ها رنگ‌آمیزی آنچنانی‌تری باید داشته باشد و ده‌ها مورد از این‌گونه گله‌گذاری‌ها. اگر ما پول هنگفت یا صنعت تلویزیونی و سینمایی عجیبی داشتیم، می‌توانستیم بهتر باشیم اما واقعا بعضی کارهای ما با محدودیت‌های زیادی ساخته می‌شود و این همه مو را از ماست کشیدن، بی‌انصافی است. باید گفت «اگر تو بهتر می‌زنی، بستان بزن»؛ اگر تو می‌توانی بهتر بساز. چرا نمایشنامه رادیویی، تئاتر و فیلم سینمایی‌اش را نداشته باشیم؟ اگر ساخته شود، من صف اول می‌ایستم و آن کار را تشویق می‌کنم.

سوای قضیه لهجه، بازخوردها چگونه بوده است؟

بدون اغراق ۹۰ تا ۹۵ درصد کسانی که در صفحه‌های مجازی و ... با ایشان ارتباط دارم می‌گویند از بازی راضی هستند و بی‌بی را باور کردند. از این قضیه خیلی خوشحالم و به آن افتخار می‌کنم. کسانی هم اعتراض دارند که بخشی از آنها وسواس و حساسیت است و بخش دیگر قابل پذیرش.

معترضان چه می‌گویند؟

می‌گویند واقعیت این نیست و ماجرا چیز دیگری بوده و حرف‌هایی از این نوع. در صورتی که ما می‌گوییم، این اقتباس پرویز شیخ‌طادی است. مسلما هیچ‌کدام از این داستان‌ها به عینه اتفاق نیفتاده است. ما در ۱۲ قسمت برداشتی از شخصیت بی‌بی مریم داشتیم.

پس این برشی از زندگی بی‌بی است.

بله. حتی نشان دادن زندگی یك زن معمولی و معرفی نقش‌های مختلف او به عنوان مادر، همسر، فرزند، خواهر و... هم به بیش از ده قسمت نیاز دارد؛ چه برسد به بی‌بی مریم بختیاری که باید در این زمان کوتاه ابعاد مختلف شخصیتش را نشان دهی، برای مخاطب جذاب هم بشود و مستندگونه نباشد.

با این تفاصیل چرا مینی‌سریال ساخته شد؟

این را باید از خودشان بپرسید. کاش می‌شد که طولانی‌تر باشد. اصلا اول قرار بود پنج قسمت باشد، بعد شد هفت قسمت و کم‌کم به ۱۲ رسید.

البته ظاهرا فصل بعدی قرار است ساخته شود که به زندگی علیمردان‌خان می‌پردازد.

شنیدم اما اطلاع دقیق ندارم.

به عنوان مادر این شخصیت حضور خواهید داشت؟

اگر ساخته شود و آقای شیخ‌طادی کارگردانش باشند، احتمالش هست اما اگر کارگردان تغییر کند، مطمئن نیستم.

شما پیش از این هم در سینما کار کرده‌اید و هم تلویزیون، اما هیچ‌یك از نقش‌هایتان به اندازه بی‌بی مریم دیده نشد.

واقعیت این است که بازی در چنین نقشی که آنقدر دیده شود برایم مثل رویا بود. البته دیده شدنش نه، بلکه بازی در نقشی با این ویژگی‌ها برایم آرزو بود. من می‌توانستم یك زن گریه کن را بازی کنم که مدام به او ظلم می‌شود و گوشه‌ای در خانه اشك می‌ریزد یا یك زن پریشان‌حال و روانی باشم، دیده هم می‌شد اما موضوع این است که بازی در چنین نقشی خیلی به آرزو شبیه‌تر بود تا واقعیت. البته این احساس من است و شاید بینندگان بگویند نقش خاصی نیست، من به آنها هم احترام می‌گذارم.

می‌شود راجع به کیفیت اثر و بازی شما در این نقش صحبت کرد و نقد داشت اما پذیرفتنی است که نقش بی‌بی مریم تفاوت‌هایی دارد چون اصولا برای خانم‌های بازیگر نقش زن فعال و قدرتمند کمتر نوشته می‌شود.

واقعا همین‌طور است. البته این موضوع هم به امکانات و هم عدم توانایی بازیگران برمی‌گردد. رامبد جوان در مصاحبه‌ای درباره فیلم قانون مورفی گفته بود، ساختن فیلم اکشن بسیار سخت است و تازه بلدش هم نیستیم.

سخت به لحاظ کمبود تجربه یا امکانات؟

هر دو. مشکل ما این است که برای ساختن یك فیلم اکشن نمونه‌های خارجی را می‌بینیم و فکر می‌کنیم چون آنها موفق هستند باید از روی دستشان بنویسیم. ما نه آن امکانات را داریم و نه آن بازیگران را؛ به خصوص آقایان چون خانم‌ها به دلیل پوشش، قضیه‌شان فرق می‌کند. اغلب بازیگران ما حتی دو طبقه را هم با آسانسور بالا می‌روند و در فیلم‌ها اکت خاصی ندارند. از سوی دیگر اصلا از بازیگران خواسته نمی‌شود، اگر هم خواسته شود و بازیگر هم از پسش بربیاد امکانات کافی برای ساخت وجود ندارد. نمی‌گویم امکانات نیست اما کم است و می‌بینیم بیشتر کارهایی که در این زمینه انجام می‌شود، کمدی از آب درمی‌آید و مخاطب پس می‌زند. ما یك سری خصوصیات فرهنگی و قومی داریم که می‌توانیم در آنها صاحب سبك باشیم. اصلا دلیلی ندارد اکشن آمریکایی بسازیم، مگر ما آمریکایی هستیم!؟ ما اگر به تاریخ فرهنگی و اقوام خود بپردازیم حتی می‌توانیم ژانری تازه در آثار اکشن ایجاد کنیم که متعلق به خودمان است. وقتی مخاطب از سوارکاری و تیراندازی من خوشش می‌آید و بازخورد مثبت نشان می‌دهد یعنی این کار شدنی است.

عکس: نسیم افشاری

برمی‌گردیم به همان نکته‌ای که درباره توانمندی‌های فیزیکی بازیگران گفتید. خود شما به خاطر همین ورزشکار بودن و داشتن این توانایی‌ها برای نقش بی‌بی مریم انتخاب شدید.

بله. ظاهرا برای پیدا کردن بازیگر نقش اول دردسرهایی داشتند، چون هنرپیشه‌ای که توانایی سوارکاری و... را داشته باشد پیدا نمی‌کردند و زمان و بودجه‌شان هم محدود بوده است. اهل فن می‌دانند که بدلکار پروسه تصویربرداری را طولانی می‌کند چون باید یك بار تصاویر را با بازیگر بگیرند و بار دیگر با بدل و این تصاویر با هم ادغام شود. بیننده حرفه‌ای هم بدل را از هنرپیشه تشخیص می‌دهد و مچ فیلم را می‌گیرد. فرخ مجیدی، فیلمبردار این سریال یك روز به من گفت تعجب می‌کنم، بازیگران باید تیراندازی، سوارکاری و شنا بلد باشند. حالا شنا به دلایلی در فیلم‌های ایرانی زیاد استفاده نمی‌شود اما تیراندازی و سوارکاری جزو مهارت‌های اصلی است.

به ویژه با عقبه تاریخی که ایران دارد.

دقیقا اگر دست از کپی کردن برداریم و به اسطوره‌های ایرانی بپردازیم، باید بازیگرانمان به این مهارت‌ها مجهز باشند. باید زد و خوردها و... در آثار ما ایرانی باشد نه شبیه آنچه کشورهای دیگر می‌سازند. در این صورت دیگر خنده‌دار نیست و موجب افتخار می‌شود. من از بچگی اسب و تفنگ شکاری داشتم و از پدر ورزشکارم این مهارت‌ها را آموختم اما مسلما تنها من نیستم که چنین توانایی‌هایی دارم؛ بازیگران قدیمی و تازه‌ای هستند که آنها هم از پس این کارها برمی‌آیند اما بازار کار برایشان وجود ندارد و وقتی از توانایی‌هایشان استفاده نمی‌شود، آنها هم دانسته‌هایشان را به فراموشی می‌سپارند.

با توجه به اشرافی که به ورزش دارید، چقدر در طراحی حرکات بی‌بی نقش داشتید؟

تمام طراحی‌ها را خود آقای شیخ‌طادی انجام می‌دادند و من با توانایی‌های خودم تبدیلشان می‌کردم به اعمالی قابل اجرا و باورپذیر. در نتیجه حاصل کار مشترک کارگردان و من بود.

در طول کار دچار آسیب نشدید؟

وقتی مدام ورزش کنی و بدن آماده‌ای داشته باشی، کمتر دچار آسیب می‌شوی اما به هر حال ممکن است پیش بیاید و برای من هم یك بار اتفاق افتاد. باید در جایی از سریال گیوه‌هایم را درمی‌آوردم، گالش پا می‌کردم و از اسب می‌پریدم. انگشتم روی سنگ فرود آمد و از جا دررفت. بقیه سکانس را تصویربرداری کردیم و نگذاشتم کسی بفهمد. موقع ظهر بود که گفتم باید به درمانگاه بروم. آتل بستند و باز سر کار برگشتم. یك روز هم استراحت نکردم.

انتقاد دیگری که مطرح می‌شود به بیان برمی‌گردد که گاهی ادبی می‌شود و گاه عامیانه.

خیلی نمی‌توانم از این موضوع دفاع کنم اما می‌دانم مثلا بی‌بی با والی‌ها متفاوت‌تر از علیمردان‌خان حرف می‌زند و لحن با توجه به مخاطب و حس و حال سکانس تغییر می‌کند.

مثلا در قسمت دوم لحن بی‌بی در نریشن‌هایی که در کوه و کمر می‌گوید، کاملا تغییر می‌کند و از صنایع ادبی در آن استفاده می‌شود.

بی‌بی مریم، شاعر و به لحاظ ادبی غنی بوده است. آن نریشن شبیه دل‌نوشته‌هایی است که گاهی خودمان هم می‌نویسیم. این خاطره‌نویسی‌ها گاه ادبی است و گاه خودمانی.

این نوسان گاهی به لهجه هم سرایت می‌کند. مثلا در جایی خود شما یا بازیگرانی مثل عمار تفتی کلمات لری می‌گویید و در ادامه باز بی‌لهجه می‌شوید.

من لری بلد نیستم و خیلی دوست داشتم یاد بگیرم برای همین فکر نمی‌کنم در جایی از سریال لری حرف زده باشم. اگر هم موردی بوده شاید تکرار کلمات شخص مقابلم یا چیزی شبیه به آن بوده است. همان‌طور که اشاره کردم مایل بودم لااقل یك ته‌لهجه لری داشته باشم.

اصلا شناختی از این شخصیت داشتید؟

نه متاسفانه. اول که کار را پذیرفته بودم، هر چقدر دوستان بیشتر در مورد این شخصیت برایم می‌گفتند، از تعجب چشمانم گشادتر می‌شد و با خود می‌گفتم چرا نباید او را بشناسم؟! بعد گفتم شاید من نمی‌دانم و بقیه اطلاع دارند. از دیگران هم پرسیدم و بسیاری او را نمی‌شناختند و افسوسم بیشتر شد. منابع کمی از ایشان در دسترس است.

برای شناخت این شخصیت منبعی در اختیارتان گذاشته شد؟

آنقدر کار سخت و فشرده بود که غیر از فیلمنامه، گفته‌های آقای شیخ‌طادی و جست‌وجو در اینترنت چیز زیادی در اختیار نداشتم.

این شخصیت به لحاظ سنی از شما کوچك‌تر است.

بله. حدود دو سال از زندگی او در ۳۵ - ۳۴ سالگی را می‌بینیم و قصه در همین مقطع به پایان می‌رسد.

جالب این است که برای شما بازیگری و شناخته شدن در سن جوانی اتفاق نیفتاد. چه حسی در این مورد دارید؟

فکر می‌کنم هر چیزی باید در زمان خودش اتفاق بیفتد و برای من هم زمانش الان است. شواهد هم همین را نشان می‌دهد. وقتی بی‌بی مریم در این سن به من پیشنهاد می‌شود، یعنی من بردم و مزد زحماتم در این چند سال را گرفتم.

چه شد که بازیگر شدید؟

قبل از دانشگاه خیلی به بازیگری علاقه‌مند بودم، اما به دلایل فرهنگی، خانواده‌ام مایل نبود و من طراحی صنعتی خواندم و نقاشی را به صورت حرفه‌ای دنبال کردم. بعد از چند سال شرایط زندگی‌ام تغییر کرد و دیدم می‌توانم دنبال آن چیزی علاقه دارم بروم. در کلاس‌های دوبله شرکت کردم اما دیدم دلم اکت می‌خواهد و دوبله پاسخگوی هیجانات من نیست. به کلاس‌های بازیگری رفتم و پیشنهادهای کار شروع شد.

از اولین تجربه‌هایتان بگویید.

نقش‌هایی بازی کردم که به اندازه اکسسوار صحنه بود و این برایم تجربه‌ای شد که با کارگردانی که نمی‌شناسم کار نکنم و به قول و قرارهای دروغینی که در مورد اهمیت نقش پیش از شروع تصویربرداری می‌دهند، اعتماد نکنم.

کاری هست که از بازی کردنش راضی نباشید؟

دو کار هست که به خاطرش خوشحال نیستم. یکی سریال خاطرات مرد ناتمام، ساخته صادق کرمیار و دیگری فیلم بن بست وثوق. این دو کار اشتباه من بود. البته کارهایی هم هست که دوست دارم و از عواملشان آموختم، مثل «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا»، خرگیوش، ساعت ۵ عصر، اینجا همه چیز خوب است، تنهایی لیلا و ماه تی‌تی.

از کار تازه چه خبر؟

این سریال دچار گرفتاری‌هایی شد که فکر می‌کردم شاید پخش نشود. برای همین بعدش در سریال ملکاوان، ساخته احمد معظمی بازی کردم. پیشنهادهایی هم الان هست که می‌خواهم با تامل بیشتری با آنها برخورد کنم، چون یك نقش اسطوره‌ای بازی کردم و نمی‌خواهم این خاطره را برای مخاطب خراب کنم. خیلی دوست دارم کارهای تاریخی و جنگی بازی کنم و کارهایی انجام دهم که کسی کمتر سراغش می‌رود.

شهرداری مشهد
معاونت اقتصادی
وسازمان اقتصادی، سرمایه‌گذاری ومشارکت‌های مردمی

آگهی فراخوان شناسایی بهره‌بردار هتل آرمان (مشهد مقدس)

معاونت اقتصادی شهرداری مشهد در نظر دارد به منظور حفظ و ارزش آفرینی دارایی‌های شهرداری مشهد و در راستای بهینه سازی خدمات و افزایش رضایت زائرین و مجاورین، از طریق واگذاری به اشخاص حقیقی یا حقوقی، نسبت به شناسایی و سپس انتخاب بهره بردار هتل آرمان (دارای مجوز و پروانه بهره برداری) واقع در مشهد، خیابان نواب صفوی، حد فاصل نواب صفوی ۱۲ و ۱۶ اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی دارای سابقه فعالیت در حوزه صنعت هتلداری، گردشگری و بهره برداران مجاز واجد صلاحیت فنی، مالی و دارای تجربیات مرتبط دعوت می‌گردد به منظور اعلام آمادگی جهت بهره‌برداری از این پروژه، کسب اطلاعات بیشتر و تکمیل اسناد و جداول بارگذاری شده به سامانه مناقصه و مزایده شهرداری مشهد، به نشانی ets.mashhad.ir و یا سایت معاونت اقتصادی و سازمان سرمایه‌گذاری ومشارکت‌های شهرداری مشهد به نشانی eco.mashhad.ir مراجعه فرمایید.

آخرین مهلت عودت اسناد: ساعت ۱۵ روز یک شنبه مورخ ۹۸/۶/۲۴

آدرس: مشهد خیابان دانشگاه، برج آلتون، طبقه ۱۸، واحد ۱۲، دبیرخانه معاونت اقتصادی شهرداری مشهد

ضمناً جهت پاسخگویی به هرگونه سوال و هماهنگی بازدید، ازطریق شماره تلفن ۰۵۱۳۱۲۹۱۷۱۲ (کارشناس بهره برداری) اقدام فرمائید.

کاتالوگ معرفی وتوضیح هتل آرمان را از اینجا دانلود کنید